

## Structural Adjustment of Neoliberalism and Its Effects on Iraq after 2003

Mohammadhossein Marze\*  
Reza Najafzadeh\*\*

### Abstract

Neoliberalism is a set of economic policies having undergone extensive changes in the domestic economic system of countries and the international economic system, and its most important components are: firm belief in a free and unlimited global free market and private property. The new economic policy in Iraq is being implemented in the political context imposed by the US occupation. This economic policy in Iraq is linked to the capitalist policy of the United States; Thus, all the characteristics of neoliberalism are evident in one model, that is military attack and occupation, the demarcation of the power-dependent political system, and the imposition and application of an economic model against us. These policies started with a shock and are continuing with a structural adjustment; In other words, these policies do not arise from social needs and necessities, rather they are the product of a sudden political change that happened through the occupation and not during the objective growth of society and internal forces or at the level of its production. This study does not claim that Iraq is a government with a neoliberal economy, but seeks to describe, analyze and criticize the detrimental consequences of the policies neoliberal economic model on the Iraqi government and society. The US-led global capitalist system integrated the US into an open market economy and global capitalism by creating a shock to Iraq. This action was not only in the direction of reform for Iraqi government, but since it was the outcome of a suddenly shocking act through the occupation of Iraq. It was shocking through the occupation of Iraq and it did not meet the needs of the economic, political and social development of Iraqi society, so it caused numerous political, economic and social challenges including unemployment, poverty, corruption and corruption, the growth of terrorism, the rise of domestic and foreign debts and, the disappearance of the domestic private sector, the disappearance of trade unions, the rise of class divisions, national dissatisfaction and relative prosperity, the outflow of the country's wealth through the creation of a false and opaque private sector, the stabilization of the rentier economy, the rise of costs in the public sector especially the employees.

**Keywords:** Neoliberalism, Structural Adjustment, Washington Consensus, Debt, CPA.

**Article Type:** Research Article.

---

**Citation:** Marze, Mohammadhossein & Najafzadeh, Reza (2022). Structural Adjustment of Neoliberalism and Its Effects on Iraq after 2003, *International Political Economy Studies*, 5 (1), 77-109.

---

\* PhD Student in Political Science, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

\*\* Assistant Professor of Science and political thought, Dept. of Political Science, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), najafzadeh.reza@gamil.com

---

*International Political Economy Studies*, 2022, Vol. 5, Issue 1, pp. 77-109.



Copyright © The Authors  
Publisher: Razi University.

## تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م

محمدحسین مرزہ\*

رضا نجف‌زاده\*\*

### چکیده

نئولیبرالیسم مجموعه‌ای است از سیاست‌های اقتصادی که نظام اقتصاد داخلی کشورها و نظام اقتصادی بین‌المللی را دستخوش تحولات گسترده‌ای نموده و مهم‌ترین مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از: باور راسخ به بازار آزاد و نامحدود جهانی و مالکیت خصوصی. سیاست اقتصادی جدید در عراق در شرایط سیاسی که توسط اشغال ایالات متحده آمریکا تحمیل شده است در حال اجراست. این سیاست اقتصادی در عراق به سیاست سرمایه‌داری ایالات متحده آمریکا پیوند خورده است؛ بنابراین، تمام خصوصیات نئولیبرالی در یک مدل، یعنی حمله نظامی و اشغال، مرزبندی سیستم سیاسی وابسته به قدرت و تحمیل و به‌کارگیری یک مدل اقتصادی در برابر ما مشهود است. این سیاست‌ها با یک شوک شروع شده و با تعدیل ساختاری در حال ادامه است؛ به عبارت دیگر، این سیاست‌ها برآمده از نیازها و ضروریات اجتماعی نیستند، بلکه محصول یک تغییر سیاسی ناگهانی هستند که از راه اشغال و نه در طی رشد عینی جامعه و نیروهای داخلی یا در سطح تولید آن اتفاق افتاده است. این پژوهش ادعا نمی‌کند که عراق یک دولت با اقتصاد نئولیبرالیستی است بلکه به دنبال توصیف، تحلیل و انتقاد نتایج زیان‌بار سیاست‌های مدل اقتصادی نئولیبرال بر دولت و جامعه عراق است. نظام سرمایه‌داری جهانی با رهبری ایالات متحده آمریکا به وسیله ایجاد یک شوک به کشور عراق این دولت را در اقتصاد بازار باز و سرمایه‌داری جهانی ادغام کرد. این اقدام نه تنها در جهت اصلاح برای دولت عراق نبود بلکه به دلیل اینکه حاصل یک عمل ناگهانی شوک‌آور با اشغال عراق بود و همچنین حاصل نیازهای توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه عراق نبود، باعث چالش‌های متعددی در سطح سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از جمله بیکاری، فقر، فساد اداری و مالی، رشد تروریسم، بالارفتن بدهی‌های خارجی و داخلی، از بین رفتن بخش خصوصی داخلی، محو اتحادیه‌های صنفی، بالارفتن فاصله‌های طبقاتی، نارضایتی ملی و رفاه نسبی، خارج شدن ثروت‌های کشور با ایجاد بخش خصوصی کاذب و غیر شفاف، تثبیت هرچه بیشتر اقتصاد رانتی، بالارفتن هزینه‌ها در بخش عمومی به خصوص کارمندان شد.

**کلیدواژه‌ها:** نئولیبرالیسم، تعدیل ساختاری، اجماع واشنگتن، بدهی، CPA.

**نوع مقاله:** پژوهشی.

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.  
\*\* استادیار علوم و اندیشه سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)، najafzadeh.reza@gamil.com

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۱، دوره پنجم، شماره اول، ۷۷-۱۰۹.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان



## مقدمه

نولیبرالیسم در وهله نخست نظریه‌ای در مورد شیوه‌هایی در اقتصاد سیاسی است که بر اساس آن‌ها با گشودن راه برای تحقق آزادی‌هایی کارآفرینانه و مهارت‌های فردی در چهارچوبی نهادی که ویژگی آن حقوق مالکیت خصوصی قدرتمند، بازارهای آزاد و تجارت آزاد است، می‌توان رفاه و بهروزی انسان را افزایش داد (هاروی، ۱۳۸۶: ۸). «ذات و جوهر اساسی نولیبرالیسم به‌طور کامل عبارت است از تبعیت از ارزش‌های اقتصاد بازار و همچنین وجود یک جامعه بازار محور.» (Coburn, 2000: 138)

برنامه‌ها و سیاست‌های نئولیبرالی موسوم به «تعدیل ساختاری» ریشه در سیاست‌های ترویجی «اجماع واشنگتن» دارد که با همین نام پس از جنگ یا اشغال عراق بعد از ۲۰۰۳ به جدیت دنبال شد. بررسی تحولات چهارده گذشته نشان می‌دهد که در اغلب کشورهای کم‌توسعه اجراکننده این برنامه‌ها، یک دولت سرکوب‌گر که با ایجاد فضای امنیتی خفقان و ارباب، آثار اجتماعی و شوک ناشی از اجرای برنامه‌های اجماع واشنگتن را کنترل می‌کند از لوازم اجرای این برنامه‌ها بوده است.

سیاست تعدیل ساختاری فعلی در عراق با عنوان اصلاحات اقتصادی تقریباً مشابه تمام تجربیاتی است که در بسیاری از کشورها اتفاق رخ داده است. نسخه‌ها و شرایط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در اینجا باروشنی بیشتری درباره همان روند اقتصادی تکرار می‌شود، یعنی همان ده سیاست راهبردی و کلان مانند کاهش هزینه‌های عمومی، انحلال بازسازی صنایع در بخش دولتی، حذف یارانه‌های دولتی برای کالاها و خدمات اساسی و حرکت به سمت اقتصاد بازار؛ همه این‌ها شرایط تعیین‌شده به‌وسیله مؤسسات مالی است که در سیاست‌های اقتصادی جدید توسط حکومت‌ها در عراق اتخاذ شده و ثروت عمومی به مالکیت گروهی از افراد یا احزاب یا سرمایه‌گذاران جدید منتقل شده است، یعنی در یک کلام: فقر میلیون‌ها عراقی در ازای تمرکز ثروت در دست افراد و شرکت‌هایی که غالباً زیر سایه احزاب سیاسی عراق - چه اسلامی و چه غیر اسلامی - زیست می‌کنند و سپس موضوع را به‌عنوان اصلاح تبلیغ می‌کنند. این سیاست، مظهر گفتمان نئولیبرال است که در

تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزیه و رضانجفزاده) ۷۹

جهان با ظهور تاجریسم و ریگانیسم در اوایل دهه ۱۹۸۰ به شکل امروزی شده است. ما در این مقاله قصد داریم با مطالعه وضعیت فعلی عراق، یک مدل نظری درباره انعکاس مستقیم نئولیبرالیسم را نشان داده و می‌خواهیم تأکید کنیم که نتایج اشغال و سیاست جدید اقتصادی با واقعیت نظری متمایز است و آن‌ها کل جامعه را به یک میدان آزمایش تبدیل کرده‌اند تا از یک سو قدرت را با یک سیاست نئولیبرالی منطبق کنند و از دیگر سو شرایط اقتصادی و اجتماعی را متناسب با پروژه تحمیل شده تطبیق دهند. تغییر ساختار اقتصاد و از بین بردن وابستگی متقابل بین بخش‌های تولیدی، با شدیدترین بدترین اشکال تأثیرات اجتماعی، ناشی از این سیاست است.

تأثیرات اجتماعی این سیاست‌ها نباید فقط به شیوه‌ای توصیفی پرداخته شود و باید تحلیل انگیزه اصلی یا محور اصلی سیاست اقتصادی که منجر به این نتایج می‌شود، مورد بررسی قرار گیرد. سیاست اقتصادی نئولیبرال، سیاست بحران است، یعنی کاهش نرخ سود و دلیل آن بحران‌های سرمایه‌داری است که منجر به رکود و از به حاشیه رفتن میلیونی می‌شود.

## تعدیل ساختاری

سیاست تعدیل ساختاری فعلی در عراق با عنوان اصلاحات اقتصادی تقریباً مشابه تمام تجربیاتی است که در بسیاری از کشورها اتفاق رخ داده است. نسخه‌ها و شرایط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در اینجا باروشنی بیشتری درباره همان روند اقتصادی تکرار می‌شود، یعنی همان ده سیاست راهبردی و کلان مانند کاهش هزینه‌های عمومی، انحلال بازسازی صنایع در بخش دولتی، حذف یارانه‌های دولتی برای کالاها و خدمات اساسی و حرکت به سمت اقتصاد بازار؛ همه این‌ها شرایط تعیین شده به وسیله مؤسسات مالی است که در سیاست‌های اقتصادی جدید توسط حکومت‌ها در عراق اتخاذ شده و ثروت عمومی به مالکیت گروهی از افراد یا احزاب یا سرمایه‌گذاران جدید منتقل شده است، یعنی در یک کلام: فقر میلیون‌ها عراقی در ازای تمرکز ثروت در دست افراد و شرکت‌هایی که غالباً زیر سایه احزاب سیاسی عراق - چه اسلامی و چه غیر اسلامی - زیست می‌کنند و سپس

موضوع را به عنوان اصلاح تبلیغ می‌کنند. این سیاست، مظهر گفتمان نئولیبرال است که در جهان با ظهور تاجریسم و ریگانیسم در اوایل دهه ۱۹۸۰ به شکل امروزی شده است. در این مورد نائومی کلاین (Naomi Klein) به طور مستقیم اقتصاددانان نظم نوین جهانی، یعنی میلتون فریدمن (Milton Friedman)، برنده جایزه نوبل و نیز دیگر کارگزاران «مکتب اقتصادی شیکاگو» را هدف می‌گیرد و توضیح می‌دهد که چطور سیاست‌های اقتصادی آن‌ها در کشورهایی مثل شیلی در دوران دیکتاتوری پینوشه، روسیه در دوران یلتسین، آمریکای پس از طوفان کاترینا و عراق پس از اشغال نظامی توسط آمریکا، پیش برده شده است. پیش بردن این سیاست‌ها نه با روندی دموکراتیک که با سوءاستفاده از شوک‌زدگی مردم در اثر فاجعه صورت گرفته است.

کلاین تا آنجا پیش می‌رود که سعی می‌کند نشان دهد بعضی از این فاجعه‌ها اصلاً به قصد ایجاد شوک و پیش بردن این سیاست‌ها ایجاد شده‌اند، همچنین از پیشامدهای طبیعی نیز در جهت اهداف ایدئولوژیک بهره‌برداری شده است. کلاین در ابتدای مقدمه کتاب دکترین شک با آوردن نقل قولی از «دکترین نظامی آمریکا برای جنگ با عراق» می‌نویسد: «عملیات شوک و ارعاب شامل هراس‌آفرینی‌ها، ایجاد مخاطرات و ویرانگری‌هایی است که برای عامه مردم، نیز عناصر و بخش‌های مشخصی از جوامع تهدیدکننده ما و رهبران‌شان غیر قابل درک است. طبیعت نیز با گردبادها، توفان‌های سهمگین، زلزله‌ها، سیل‌ها، آتش‌سوزی‌های مهارنشده، قحطی‌ها و بیماری‌ها می‌تواند «شوک و ارعاب» ایجاد کند» (کلاین، ۱۳۸۹: ۱۷).

نظریه پردازان و مجریان سیاست‌های دکترین شوک معتقدند تنها یک «شوک» و «گسست بزرگ» می‌تواند «لوح سفید و نانوشته‌ای» (tabula rasa) را برای آن‌ها ایجاد کند تا از آن برای ساختن دنیایی نو و اجرایی کردن برنامه‌های نولبرالی خود استفاده کنند. این نظریه اقتصاددانان بازار آزاد شباهت زیادی به نظریات دکتر ایوون کامرون (Ewen Cameron) رئیس «انستیتوی روان‌پزشکی دانشگاه مک‌گیل» کانادا و رئیس «انجمن روان‌پزشکی آمریکا» در دهه ۱۹۵۰ دارد. برخلاف فروید که باور داشت با گفتاردرمانی

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۸۱  
می‌توان به علل ریشه‌ای مشکلات روانی پی برد، دکتر کامرون معتقد بود که با واردآوردن شوک به مغز انسان‌ها، می‌توان ذهن‌های معیوب را تهنی کرد، از هر چیزی زدود و سپس شخصیت‌های جدیدی را بر «لوح‌های پاک نانوشته ترسیم کرد» (همان: ۱۱).

میلتون فریدمن مبدع نظریه شوک و نهادهای مالی بین‌المللی مثل «صندوق بین‌المللی پول» و «بانک جهانی» مجریان آن هستند. فریدمن استاد دانشگاه شیکاگو تأکید می‌کند که شوک باید قبل از آنکه مردم به خود بیایند اعمال شود. او معتقد است که دولت باید ظرف ۶ تا ۹ ماه تحولات اساسی مورد نظر اقتصاد بازار آزاد را پیاده کند. «صندوق بین‌المللی پول» هم راه‌حل‌های اجرایی و عملی خود را با اتکا به همین روش تجویز می‌کند. وی نتیجه‌گیری می‌کند که فریدمن و حامیان‌ش، به‌دلیل ناتوانی از به کرسی نشاندن این سیاست‌ها از راه دموکراتیک، به قدرت شوک روی می‌آورند. پروفیسور میلتون فریدمن، نویسنده کتاب *سرمایه‌داری و آزادی*، مدعی بود که کل دوران زمامداری پینوشه - یعنی ۱۷ سال دیکتاتوری و صدها هزار قربانی و شکنجه - نه تخریبِ خشونت‌بار آزادی و دموکراسی که عکس آن بوده است (کلاین، ۱۳۸۹: ۱۳).

به‌طور دقیق سی سال پس از آنکه سه شکل مشخص شوک (شوک کودتای سازمان سیا، شوک‌های اقتصادی ابداعی میلتون فریدمن و شوک کشتار و شکنجه ابداعی دکتر ایوون کامرون و اجراشده به‌دست کودتاگران نظامی) را بر شیلی وارد آوردند، همین فرمول، با خشونت بس بیشتر، دوباره در عراق ظاهر شده است. نخست، با جنگ شروع کردند تا به گفته طراحان دکترین نظامی عملیات «شوک و ارعاب»، جنگ «اراده، ادراکات و فهم دشمن را مهار کند و به معنای واقعی کلمه، دشمن را از نظر عمل یا عکس‌العمل عقیم سازد»؛ سپس، شوک‌درمانی ریشه‌ای اقتصاد از راه رسید و در حالی که کشور هنوز شعله‌ور بود، پل برمر، فرستاده ارشد ایالات متّحده، آن را بر عراق تحمیل کرد: «خصوصی‌سازی گسترده، تجارت خارجی کاملاً آزاد، وضع نرخ ثابت مالیاتی ۱۵ درصدی و دولتی که به شکلی چشم‌گیر کوچک شده بود».

علی عبدالامیر علاوی، وزیر موقت عراق در امور تجاری، در آن برهه گفت که

هم‌وطنانش «از اینکه مثل حیوانات آزمایشگاهی (در معرض انواع تجربه‌ها و آزمایش‌ها قرار گیرند خسته شده‌اند و حالشان به هم می‌خورد. به انداره کافی به نظام اقتصادی ما شوک وارد آمده است؛ بنابراین، به این شوک‌درمانی اقتصادی نیاز نداریم». آنگاه که عراقی‌ها مقاومت نشان دادند، جمعشان کردند، به زندان افکندند و در آن‌حال، شوک‌های بیشتری بر جسم و ذهنشان وارد آوردند شوک‌هایی که در مقام مقایسه با شوک‌درمانی اقتصادی، شوک‌هایی استعاری و تمثیلی نبودند کلاین معتقد است که شکنجه و به‌کارگیری جوخه‌های اعدام و شکنجه‌های غیر جسمانی نظیر سرکوب نظام‌مند نهادهای دموکراتیک و استفاده از «صندوق بین‌المللی پول» از ابزار وام برای گوشمالی کشورها)، شریکی بی‌سروصدا در نهضت تهاجمی بازار آزاد جهانی - از شیلی و آرژانتین گرفته تا چین و عراق و روسیه - بوده است. (همان: ۲۴).

اگرچه این سیاست‌ها مختص عراق نیست، بلکه روند سرمایه‌داری جهانی است که از دهه‌ها قبل اعمال شده است؛ اما اعمال این سیاست در عراق با ویژگی‌های خاصی مشخص می‌شود که با کمی تساهل می‌تواند ویژگی‌های یک مدل را دارا باشد. سیاست اقتصادی جدید در عراق در شرایط سیاسی که توسط اشغال آمریکا تحمیل شده است در حال اجرا است؛ به عبارت دیگر، این سیاست‌ها برآمده از نیازها و ضروریات اجتماعی نیستند، بلکه محصول یک تغییر سیاسی هستند که از راه اشغال و نه در طی رشد عینی جامعه و نیروهای داخلی آن رخ داده است. این سیاست در عراق به سیاست سرمایه‌داری ایالات متحده آمریکا پیوند خورده است؛ بنابراین، تمام خصوصیات نئولیبرالی در یک مدل، یعنی حمله نظامی و اشغال، مرزبندی سیستم سیاسی وابسته به قدرت و تحمیل و به‌کارگیری یک مدل اقتصادی در برابر ما مشهود است.

برای درک شرایط داخلی، محیط جهانی و منطقه‌ای، کارکردهای سیاسی و اقتصادی که نظام‌های مکمل یا اپیزودها در کل سیستم سرمایه‌داری و نقش آن‌ها در تولید و توزیع این کشور انجام می‌دهند، باید یک پانل کلی ارائه دهیم. همچنین، نگاه به حرکت سرمایه به عنوان عوامل بیرونی مرتبط با بازارهای جهانی درک ناکافی است؛ زیرا حرکت کلی را

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۸۳

نمی‌توان درک کرد مگر با درک پیوندهای یکپارچه در چرخه سرمایه، از جمله عراق به عنوان یکی از حلقه‌های این چرخه. نگاه به وضعیت محلی و نگاه چندجانبه به پروژه اقتصادی فعلی مجزا از عمق جهانی و سیاسی آن، منجر به دیدگاه تقلیل‌گرایانه‌ای می‌شود که منجر به درک علمی نمی‌شود.

ما از درک حکومت نه به عنوان یک موجودیت مستقل خارج از نیروهای اجتماعی بلکه به منزله نماینده منافع اقتصادی و سیاسی شروع می‌کنم، حکومت به عنوان دستگاهی است برای مدیریت منافع عمومی که بخشی اندکی از جامعه آن را کنترل می‌کند و کنترل آن‌ها بر بقیه افراد جامعه از راه یک دستگاه گسترده حکومتی تداوم می‌یابد. کل روابط اجتماعی بین انسان‌ها از طریق معاملات آن‌ها در زمینه تولید و گردش مایحتاج زندگی و معیشت حاصل می‌شود و سرمایه‌داری تولید، کنترل و مالکیت خود را به وسیله نماینده سیاسی خود، یعنی بورژوازی، دولت کنترل می‌کند. دستگاه‌ها، مقررات، قوانین و ساختارهای سیاسی و حقوقی و قانون‌گذاری ابزارهایی در دست دولت هستند که جامعه را ملزم به رعایت رژیم خاصی می‌کند.

### راه‌اندازی مکانیزم بازار

سرمایه‌داری دولتی، با سازوکارهای عملی خود، با روندهای عمومی مالی و با جزئیاتی که هم‌زمان منجر به سرمایه خصوصی می‌شود، مطابقت دارد و سازگار است. اقتصاد بازار خود را در درجه ادغام و اتصال بین عناصر عملیاتی و مصرف‌کننده در بودجه‌های عمومی کشور و توسعه بخش خصوصی، به ویژه پس از تغییر چارچوب‌ها و سبک زندگی و جهانی‌سازی مصرف طی سال‌های پس از اشغال که ملت در حال واکنش علیه بقایای محرومیت و گرسنگی در دوران تحریم اقتصادی و درد آن بود نشان داد.

با توجه به تعداد اندک فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی، به استثنای سرمایه‌گذاری مالی خصوصی که ارتباط تنگاتنگی با سرمایه‌گذاری تجاری مصرف‌کننده دارد، سود سرمایه انباشته و کل سرمایه در حال رشد و قسمت عمده انباشت سرمایه باید فعالیت تجاری جایگزین را پیدا کند؛ زیرا بازار موقت که خالی از تولید محلی است، به



بازارهای مناطق جغرافیایی تجاری مجاور عراق گسترش می‌یابد که این مناطق به منابع مالی خارجی تبدیل شده‌اند که در آن‌ها سود انباشته چرخه تجارت کوتاه‌مدت عراق را که پس‌انداز خارجی عراق نامیده می‌شود، جذب می‌کنند. (مظهر، ۲۰۱۳: ۱۵-۱۶)

جدول ۱. عدد تأسیسات در بخش خصوصی از سال ۲۰۰۳-۲۰۱۴

سال	تأسیسات بزرگ		تأسیسات متوسط		تأسیسات کوچک	
	عدد	کارگران	عدد	کارگران	عدد	کارگران
۲۰۰۳	۳۷۵	۱۵۳۳۱	۷۹	۹۴۰۷	۱۷۹۲۹	۵۰۲۰۷
۲۰۰۴	۴۰۳	۲۶۲۸۰	۹۲	۱۶۶۸	۱۷۵۹۹	۶۴۳۳۸
۲۰۰۵	۳۷۰	۱۸۷۱۹	۷۶	۱۶۹۷	۱۰۰۸۸	۳۶۳۷۹
۲۰۰۶	۳۳۴	۱۷۳۶۴	۵۲	۹۶۰	۱۱۶۲۰	۴۶۴۹۴
۲۰۰۷	۳۴۱	۱۷۱۰۰	۵۷	۱۱۱۷	۱۳۴۰۶	۵۳۶۷۹
۲۰۰۸	۳۹۲	۱۹۴۰۰	-	-	-	-
۲۰۰۹	۴۰۰	۲۰۶۰۰	۵۱	۸۷۱	۱۰۲۸۹	۲۷۷۸۰
۲۰۱۰	۴۰۶	۲۰۰۰۰	۵۶	۹۲۳	۱۱۱۳۱	۳۶۸۹۸
۲۰۱۱	۴۴۹	۲۳۷	۱۵۹	۲۴۳۱	۴۷۲۸۱	۱۴۵۳۸۵
۲۰۱۲	۵۴۸	۳۸۱۰۸	۲۱۸	۳۳۵۷	۳۴۶۶۹	۱۴۶۲۱۰
۲۰۱۳	۵۵۴	۳۱۷۴۱	۲۲۶	۳۳۲۵	۲۷۶۹۴	۹۱۹۵۹
۲۰۱۴	۵۱۹	۲۹۶۳۲	۱۲۰	۱۹۱۶	۲۱۸۰۹	۸۴۲۷۲

(جمهوریة العراق، وزارة التخطيط، الجهاز المركزي للإحصاء، المجموعة الإحصائية السنوية ۲۰۱۰-۲۰۱۱)

جدول ۲. کارمندان بخش عمومی عراق

سال	نوع کارمندی	عدد کارمند	مجموع کلی	هزینه (میلیون دلار)
۲۰۰۳	بازنشست	۶۵۰۰۰۰	۸۵۰۰۰۰	۲۰۰۰
	مستمر	۲۰۰۰۰۰		
۲۰۱۹	بازنشست	۴۶۱۰۶۶۶	۶۶۱۰۶۶۶	۴۳۰۰۰
	مستمر	۲۰۰۰۰۰۰		

(معطیات وزارة المالية العراقية و وزارة التخطيط العراقية از سال ۲۰۰۳-۲۰۱۹)

دو میلیارد دلار هزینه‌ای بود که بخش عمومی عراق در ۲۰۰۳ بابت ۸۵۰ هزار کارمند می‌کرد در حالی که این مبلغ در ۲۰۱۹ به ۴۳ میلیارد دلار رسید. با توجه به اینکه در بخش خصوصی و طبق گزارش سازمان جهانی کار (ILO) و وزارت برنامه و بودجه عراق فقط

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۸۵

۱۷۲۹۲۴ نیروی کار مستمر در بخش خصوصی وجود دارد و ۲/۵ بیکار و ۸ میلیون کار جزئی، در نتیجه عدم اعتبار پروژه اقتصاد بازار نتولیرال را به وضوح می توان در ضعف آن برای کاهش بیکاری و همچنین دخالت دولت به عنوان بخش عمومی به نفع سرمایه داری فراملی و ملی را لمس کرد.

بانک مرکزی عراق، به عنوان مسئول اجرایی سیاست های پولی در تمام جنبه ها و ابزارهای خود، افزون بر وظیفه خود، به ویژه پس از تصویب قانون (شماره ۵۶) در سال ۲۰۰۴ که به آن استقلال کاملی از حکومت داد، بسیاری از رویه ها و قواعد پولی را برای دولت در نظر گرفت که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

الف: تعویض ارز: جایگزینی پول ملی در تاریخ ۲۰۰۴/۱۵/۰۴ به پایان رسید، زمانی که ۴ تریلیون دینار با پول جدید و قدیمی جایگزین شد.

ب: آزادسازی بخش مالی: بانک مرکزی با شروع ۲۰۰۴/۱/۳ اعلام کرد که تعیین نرخ بهره بانکی که در مؤسسات مالی که به مشتریان خود پرداخت یا دریافت می کنند را کنار گذاشت...

ج: صدور مجوز برای بانک های خارجی: تأییدیه اخذ مجوز به بانک های خارجی توسط بانک مرکزی برای ایجاد یک بخش بانکی رقابتی در عراق. (المعموری، ۲۰۱۱: ۱۴)

### جدول ۳. دستورات رئیس دولت ائتلاف موقت (CPA) <sup>۱</sup> پل برمر

شماره دستورات CPA	موضوع
مقدمه دستور شماره ۵۱	ایجاد اقتصاد بازار
دستور ۱۲/۳۸/۴۷/۵۴/۷۰/۵۴ (ماده ۲/۲)	تجارت آزاد
۷۶/۶۵/۵۱	خصوصی سازی و مقررات زدایی
۲۴ (ماده ۱، ۲ و ۴/۴) / ۲۷/۸۱ (ماده ۱/۵۷ و ۱/۶۶) (B)	بازار کشاورزی و امنیت
۸۳/۸۱/۸۰	حق ثبت اختراع، علامت تجاری و حق چاپ
آیین نامه ۳ و ۶ و ۷ CPA	تأثیر نهادهای مالی بین المللی
(دستور ۳۹ ماده ۴، ۶ و ۷/۲) / (دستور ۴۹ ماده ۳/۳)	سرمایه گذاری خارجی
(دستور ۵۶ ماده ۲/۲) / ۱۸/ (دستور ۵۶ ماده ۲۷) / ۷۴/۹۴	بازارهای مالی

(CPA <https://govinfo.library.unt.edu/cpa-iraq/regulations/>)

حال اگر سازوکار بازار ناجی اقتصاد است و ابزاری است که توسعه اقتصاد را بر عهده خواهد گرفت، چرا توسعه این اقتصاد به این سازوکار واگذار نشده است؟ چرا با اینکه هدف کاهش نقش اجتماعی دولت است دولت به نفع سرمایه‌داران مداخله می‌کند؟ چرا کار سرمایه‌گذار به قیمت از بین بردن الگویی اقتصادی که به دلیل ضروریات عینی مورد نیاز توسعه سرمایه‌داری برای دهه‌ها به تصویب رسیده است، تسهیل می‌شود؟ چرا سازوکار بازار که شامل پویایی توسعه و دفع برنامه‌ریزی است، مشکلات تغییر شکل ساختاری را حل نکرد؟ ما با نسخه نامطلوب قدیمی که در تئوری اقتصادی منتقل می‌شود روبه‌رو هستیم. سؤال این است که تا زمانی که روند به سمت اقتصاد بازار است، چرا ما نمی‌بینیم که سازوکارهای بازار نقشی در ترسیم مجدد روند اقتصادی عراق داشته باشد؟ چرا دولت فضا را برای بازار و اقتصاد آزاد تضمین می‌کند؟

با اشاره به اینکه صدها میلیارد بیهوده هزینه شده است و بدون اینکه بخش خصوصی فعالیت‌سازنده‌ای را آغاز کند که مسیر خاص و یا ویژگی‌های اقتصاد جدید را ترسیم کند. جدا از فعالیت‌های معمول، ما در کار بخش خصوصی که نشانه‌ای از روند گسترده جدیدی از فعالیت‌های اقتصادی است، مشاهده نکردیم. چرا سرمایه‌گذاران مطابق سازوکار بازار برای تأمین نیازهای رشد اقتصادی نقش اقتصادی نداشته‌اند؟ چرا دولت به نام مردم وام می‌گیرد و ریاضت اقتصادی را برای تأمین سرمایه به مردم تحمیل می‌کند و سپس پول را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد؟

### اقتصاد رانتی

اکثر اقتصاددانان دولتی تحقیقات خود را با حمله به اقتصاد رانتی آغاز می‌کنند و منظور از این امر درآمد حاصل از فروش نفت است، بدون اینکه نشان دهند چرا وجود این درآمد یک مشکل اقتصادی است. انباشت اولیه شرط استقرار صنعت سرمایه‌داری است، یعنی باید پیش ماده‌ای وجود داشته باشد که اقتصاد بتواند پایه مادی را برای صنعت، تولید و تجارت ایجاد کند. (السعدی، ۲۰۰۸: ۷۰-۷۱)

جهان سرمایه‌داری اولین انباشت را با تهاجم به آفریقا، آمریکا و جهان عقب‌مانده از نظر

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزیه و رضانجفزاده) ۸۷

صنعتی و نظامی آغاز کرد تا تجمع اولیه آغاز تولید سرمایه‌داری را تضمین کند. روند انباشت اولیه فقط یک بار در طول قرن پنجم و شانزدهم با طلوع تولید سرمایه‌داری رخ نداده است، بلکه فرآیندی گسترده و مداوم که سرمایه‌داری هر زمان که نرخ سود در معرض افت قرار می‌گیرد، به این روش به انباشت سرمایه خواهد پرداخت، همان‌گونه که سمیر امین در کتاب خود، انباشت در سطح جهانی می‌گوید: این عملیات با تأمین مازاد انجام می‌شود و با استفاده از غارت، تصرف و دزدی دریایی، یا با به‌دست گرفتن منابع و درآمدهای کشورهای، به وسیله دولت‌هایی که سیاست‌های نهادهای بین‌المللی را تسهیل می‌کنند و اطمینان از اینکه مردم همان‌طور که در عراق اتفاق می‌افتد، تحت سیاست‌های سرمایه‌داری و منافع آن‌ها قرار می‌گیرند.

حجم رانت‌ها در اقتصاد ایالات متحده بیش از تولید کالا و اقتصاد واقعی، به‌ویژه رانت فنآوری و رانت مالی ناشی از بازارهای پول است، بدون اینکه کسی اقتصاد آمریکا را یک اقتصاد رانتی بخواند و مازاد آن را محدودیت در نظر بگیرد. (مظهر، ۲۰۱۰: ۲۲)

این پرسش را می‌توان مطرح کرد: چرا وجود ثروت عظیم طبیعی که در ساخت، بهره‌برداری و صادرات دخیل است و مازاد مالی بالایی را به‌دست می‌آورد، یک سود برای اقتصاد و جامعه نیست؟ چرا اقتصاددانان اصرار دارند تا شرایط جامعه را متناسب یا مطابق با مدل‌های اقتصادی فرضی یا مدل‌های موجود در شرایط مختلف تاریخی سازگار کنند تا استانداردی را که باید به‌دست آورند در نظر بگیرند؟ بخش عمده‌ای از رانت می‌تواند به توسعه انسانی اختصاص یابد که در پژوهش‌های اقتصاددانان وفادار به سیاست دولت به‌هیچ وجه به آن اشاره نشده است. اگر بدانیم که برخی از تجارب توسعه، مانند تجربه مالزی، از نوسازی و توسعه آموزش آغاز شده است، آنگاه افترا و حمله به رانت مانند یک نفرین خواهد بود، اقدامی غیر قابل توجیه است و به‌جز هدف گمراه کردن و ترویج اصلاحات ادعایی هدف دیگری ندارد.

زیرساخت‌های اساسی، آموزش، سیستم بهداشتی، سیستم‌های ارتباطی، حمل و نقل و خدمات در عراق از عدم همگام‌شدن با الزامات رشد رنج می‌برند (جدول ۴) و این امر

مستلزم به کارگیری بودجه است و این منابع مالی می‌توانند از درآمد نفت تأمین شوند. نمایندگان اقتصاد بورژوازی در عراق موظف‌اند توضیحی علمی در مورد حمله خود به وجود مازاد و اقتصاد رانتی ارائه دهند و مازاد را به‌عنوان یک نفرین در نظر بگیرند.

جدول ۴. میزان محرومیت از نیازهای اساسی برحسب استان‌ها

ت	استان	آموزش	بهداشت	زیرساخت‌ها	مسکن	حمایت‌های اجتماعی و امنیتی	وضع اقتصادی خانواده	(میزان کلی محرومیت)
۱	دهوک	۴۰/۴	۳۹/۸	۳۰/۲	۳۰/۴	۳۵/۵	۴۳/۵	۳۳/۷
۲	نینوی	۳۰/۸	۲۸/۱	۵۵/۳	۲۳/۱	۲۹/۱	۴۷/۶	۳۳/۵
۳	السليمانية	۲۹/۸	۲۹/۲	۳۵/۶	۳۵/۰	۳۰/۳	۱۶/۶	۲۴/۶
۴	کرکوک	۲۲/۲	۲۹/۲	۶۱/۸	۱۳/۵	۳۳/۷	۲۱/۴	۲۰/۶
۵	أربيل	۳۳/۷	۳۸/۰	۳۲/۹	۳۱/۱	۳۱/۳	۲۱/۳	۲۵/۹
۶	ديالى	۱۶/۴	۳۰/۳	۸۳/۸	۱۸/۳	۴۹/۳	۴۲/۴	۳۲/۹
۷	الأنبار	۱۵/۱	۱۵/۸	۴۸/۲	۳/۹	۲۹/۵	۲۵/۹	۱۰/۳
۸	بغداد	۱۶/۷	۲۱/۱	۳۴/۳	۲۸/۲	۳۵/۹	۱۹/۹	۱۷/۸
۹	بابل	۴۰/۳	۲۳/۰	۷۴/۴	۳۵/۱	۲۷/۰	۳۶/۰	۳۴/۵
۱۰	کربلاء	۵۲/۱	۱۳/۱	۵۹/۵	۳۹/۰	۲۸/۱	۳۹/۱	۳۲/۷
۱۱	واسط	۳۲/۷	۳۷/۳	۵۹/۶	۳۴/۵	۲۶/۱	۳۹/۳	۳۵/۵
۱۲	صلاح‌الدین	۳۳/۶	۲۱/۷	۷۲/۳	۲۱/۰	۳۹/۹	۳۶/۷	۳۳/۱
۱۳	النجف	۳۸/۶	۱۸/۴	۴۰/۵	۳۳/۰	۲۹/۲	۴۰/۴	۲۹/۶
۱۴	القادسية	۳۹/۶	۳۹/۰	۶۳/۵	۴۶/۵	۳۴/۱	۴۴/۲	۴۴/۳
۱۵	المثنى	۴۶/۳	۲۶/۱	۶۳/۴	۳۹/۱	۳۵	۵۳/۰	۴۴/۳
۱۶	قارذی	۳۵/۸	۲۶/۴	۷۴/۷	۴۵/۲	۳۳/۶	۴۸/۷	۴۲/۱
۱۷	ميسان	۵۱/۷	۵۳/۱	۸۷/۹	۴۴/۵	۳۱/۳	۳۶/۸	۵۵/۸
۱۸	البصرة	۲۱/۶	۲۷/۲	۶۶/۴	۲۵/۵	۲۰/۰	۳۸/۰	۲۶/۳
	کل کشور	۲۷/۹	۲۶/۸	۵۲/۸	۲۸/۷	۳۲/۶	۳۲/۱	۲۷/۹

(وزارة التخطيط، قسم الدراسات والبحوث، علاء الدين جعفر، السكان ودرجة المحرومية في المحافظات،

(۲۰۱۰: ۴)

این جدول نشان می‌دهد استان‌هایی که نرخ فقر در آن‌ها بیشتر است، محروم‌تر هستند، بنابراین استان میسان با درجه محرومیت ۵۵/۸٪ در رتبه اول قرار گرفت، سپس استان‌های مثنی و قادسیه با نرخ ۳۴/۳٪، پس از آن‌ها استان ذی‌قار است. همچنین این توزیع نابرابر

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۸۹

ثروت در عراق بر اثر سیاست‌های سرمایه‌داری است که منجر به طبقاتی شدن جوامع از جمله عراق می‌شود. حقیقت این است که نفت ثروت است و یک سود عظیم برای توسعه و رشد به حساب می‌آید؛ اما استفاده سرمایه‌دارانه از آن چیزی به جز مشکلات و دشواری‌هایی را به وجود نمی‌آورد و سپس آن‌ها استقراض و بدهی را ترویج می‌دهند.

### ساختار بندی و سرمایه‌گذاری، عدم عینیت و عدم اعتبار پروژه

دستورالعمل‌های کلی که سیاست اقتصادی جدید عراق بعد از ۲۰۰۳ بر اساس آن ساخته شد و حکومت شروع به اجرای آن کرد و اقتصاد را به سمت آن سوق داد، در واقع همان نکاتی است که در توافق‌نامه با صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۴ و شرایط تعیین‌شده توسط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی وجود دارد و آن‌ها همان اصول اساسی هستند که به عنوان اصلاحات اقتصادی شناخته می‌شود. سیاست اقتصادی دولت به عنوان جزئیات رویه‌ای برای اجرای سیاست منعقدشده با بانک جهانی و صندوق پول است و بنابراین توضیحات موجود در متن آن و همچنین نظریه پردازان وفادار اقتصاد حکومت، مشغول به توجیه تصمیمات و شرایط مؤسسات مالی با تحریف واقعیت‌ها هستند.

تعدیل ساختار و خصوصی‌سازی، مستلزم تغییر سیاست‌های عمومی است (جدول ۵) و نه فقط رویه‌ها در سطح کارخانه‌ها یا مؤسسات؛ یعنی اجرای اصلاحات ساختاری مندرج در قالب صندوق بین‌المللی پول نیاز به تغییر ساختارها و قوانین، حذف کل مؤسسات و آزادسازی سرمایه‌گذاری برای دست‌کاری و تغییر در همه چیز وجود دارد.

جدول ۵. مجموع ایجاد انباشت سرمایه از سال (۲۰۰۴-۲۰۱۴) میلیون دینار

سال	بخش عمومی	میزان مشارکت بخش عمومی (%)	بخش خصوصی	میزان مشارکت بخش خصوصی (%)	مجموع انباشت سرمایه
۲۰۰۴	۲۴۸۷۷۱۸/۱	۷۸/۱	۳۷۰۰۸۸/۹	۱۲/۹	۲۸۵۷۸۰۷/۰
۲۰۰۵	۹۷۴۳۴۷۷/۱	۹۵/۷	۴۳۸۸۸۵/۱	۴/۳	۱۰۱۸۲۳۶۲/۲
۲۰۰۶	۱۶۰۱۳۳۹۵/۴	۹۴/۷	۸۹۷۷۵۹/۲	۵/۳	۱۶۹۱۱۱۵۴/۶
۲۰۰۷	۶۸۶۱۰۳۹/۹	۹۱/۲	۶۶۹۳۶۴/۶	۸/۸	۷۵۳۰۴۰۴/۴
۲۰۰۸	۲۲۴۵۵۱۰۳/۱	۹۶/۷	۷۸۵۴۳۶/۰	۳/۳	۲۳۲۴۰۵۳۹/۱

ادامه جدول ۵. مجموع ایجاد انباشت سرمایه از سال (۲۰۰۴-۲۰۱۴) میلیون دینار

سال	بخش عمومی	میزان مشارکت بخش عمومی (%)	بخش خصوصی	میزان مشارکت بخش خصوصی (%)	مجموع انباشت سرمایه
۲۰۰۹	۱۲۰۸۳۵۶۰/۰	۹۰/۰	۱۳۸۷۶۸۲/۰	۱۰	۱۳۴۷۱۲۴۲/۰
۲۰۱۰	۲۴۱۷۳۴۸۶/۲	۹۲/۱	۲۰۷۹۲۹۰/۵	۷/۹	۲۶۲۵۲۷۷/۷
۲۰۱۱	۳۵۵۵۷۷۷۹/۱	۹۴/۸	۱۹۶۷۴۹۰/۳	۵/۲	۳۷۲۵۵۲۶۹/۴
۲۰۱۲	۳۳۲۷۴۳۶۳/۶	۸۶/۳	۴۸۰۵۵۰۷/۵	۱۳/۷	۳۸۰۷۹۸۷۱/۱
۲۰۱۳	۴۸۳۳۵۹۷۲/۴	۸۲/۹	۹۹۷۷۵۳۹/۶	۱۷/۱	۵۸۳۱۳۵۱۲/۰
۲۰۱۴	۴۰۳۰۵۹۲۱/۸	۷۷/۶	۱۱۶۵۹۴۸۳/۴	۲۲/۴	۵۱۹۶۵۴۰۵/۰

(وزارة التخطيط والتعاون الإنمائي، الجهاز المركزي للإحصاء الحسابات القومية المجموعة الإحصائية لعام

۲۰۱۳)

با وجود تجارب مکرر تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی در ده‌ها کشور و نتایج مشابه، کاهش عملکرد اقتصادی و فقیر شدن توده‌ها؛ اما حکومت‌ها، از جمله حکومت‌هایی مثل عراق، همچنان سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را اجرا می‌کنند نه از روی اجبار، بلکه به عنوان یک شریک در این سیاست، به دنبال به دست آوردن سهم خود از ثروت با هزینه‌های عمومی هستند، به طوری که حاکم مالک می‌شود، ثروت و قدرت را در دست خود جمع می‌کند و در ازای آن میلیون‌ها نفر را از ابزارهای دفاع از حقوق و دستاوردهای خود با روش حذف اتحادیه‌های صنفی محروم می‌کند. استراتژی کلی در قبال عراق را می‌توان در چارچوب آزادسازی اقتصادی تحمیل شده در موارد زیر خلاصه نمود:

الف: باز بودن کامل نهادهای اقتصادی عراق به جهان. (حداد، ۲۰۱۰: ۴۸)

ب: اتخاذ مشوق‌های قوی و جذاب مانند اعطای امتیازات و تسهیلات برای توسعه بخش خصوصی.

ج: اتخاذ بهترین استانداردها و رویه‌های بین‌المللی و تأمین حداقل نیازهای اجتماعی از جمله مسکن، کار و خدمات.

د: دستیابی به همگرایی و ادغام اقتصادی و مالی با نهادهای بین‌المللی.

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۹۱

جدول ۶. سرمایه‌گذاری‌های وارده به عراق در بخش‌ها از سال ۲۰۰۳-۲۰۱۵

ت	بخش (صنف)	عدد شرکت‌ها	عدد پروژه‌ها	عدد شغل‌ها	هزینه میلیون دلار	% از مجموع
۱	زغال، نفت و گاز	۳۳	۴۳	۹/۹۴۱	۳۴/۶۱۲	۴۳
۲	زمین و مستغلات	۱۷	۱۸	۲۵/۰۹۴	۳۱/۸۹۹	۳۹
۳	پتروشیمی	۳	۳	۳/۰۱۷	۶/۰۰۹	۷
۴	ساختمان و مصالح ساختمانی	۴	۸	۲/۲۱۶	۲/۰۳۵	۳
۵	مخابرات	۲۰	۲۳	۱/۲۴۴	۱/۵۲۳	۲
۶	معادن	۶	۶	۴/۸۴۷	۱/۱۰۱	۱
۷	هتل و توریسم	۹	۱۲	۱/۵۱۲	۱/۱۰۱	۱
۸	خدمات مالی	۳۰	۵۲	۸۵۸	۸۱۶	۱
۹	خدمات شغلی	۴۶	۵۱	۶۵۶	۴۴۵	۱
۱۰	انبار	۴	۴	۶۳۶	۳۲۱	۰/۴۰
۱۱	دیگر	۶۰	۷۶	۶/۲۵۶	۱۳۷۶	۲
۱۲	مجموع	۲۳۲	۲۹۶	۵۶/۲۷۷	۸۱/۲۲۶	

(المؤسسة العربية لضمان الاستثمار واتئمان الصادرات، الاستثمار الأجنبي المباشر الوارد الى الدول العربية والصادر منها، السنة الثالثة والثلاثون، العدد الفصلي الثاني، الكويت، (أبريل - يونيو ۲۰۱۵): ۲۱)

برای دستیابی به این هدف، اصلاحات پیشنهادی سلطه ائتلاف CPA پیرامون پنج

موضوع اصلی متمرکز شده است:

۱. سرمایه‌گذار خارجی همان حقوق شرکت‌های ملی را دارد که دارایی‌های عراق را به‌استثنای تولید نفت، اختیار استخراج تمام سود را در دست داشته باشند.

در عراق پل برمر، (قانون سرمایه‌گذاری خارجی) که سرمایه‌گذار خارجی را با سرمایه‌گذار عراقی برابر می‌داند؛ زیرا محدودیتی در ارزش پول سرمایه‌گذاری شده به‌وسیله خارجی‌ها در عراق ایجاد نمی‌کند؛ اما اجازه سرمایه‌گذاری در بخش سرمایه‌گذاری را می‌دهد. منابع طبیعی که مواد اولیه از آن‌ها استخراج می‌شود و همین امر در مورد شرکت‌های بیمه و بانک‌ها اعمال می‌شود. همچنین به سرمایه‌گذار خارجی اجازه داده می‌شود منابع مالی مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی را بدون تأخیر به خارج از کشور منتقل کند و طبق این قانون، سود ۱۰۰٪ آن‌ها دیگر نیازی به سرمایه‌گذاری مجدد یا پرداخت



مالیات ندارند، همچنین می‌توانند اجاره‌نامه‌ها یا قراردادهایی را برای مدت ۴۰ سال امضا کنند. سرمایه‌گذار خارجی ممکن است بخشی از پروژه‌های اقتصادی را داشته باشد؛ اما نه به‌طور کامل و برای درصدی از ۴۹٪ هزینه پروژه بیشتر نیست (العنکبی، ۲۰۱۳: ۴۸).

۲. اجازه‌دادن به بانک‌های خارجی برای خرید سهام در مؤسسات مالی عراق؛ این همان چیزی است که توسط قانون بانکداری (جريدة الواقع العراقية العدد (۲۹۷۸)، آذار/ ۲۰۰۴: ۴۱) مجاز به تأسیس بانک‌های خارجی یا شعب بانک‌های خارجی، بدون مالکیت خارجی ۵۰٪ مجاز شده است. بانک‌های محلی موجود یا جدید (قصیر، ۲۰۱۰: ۲۴).

۳. کار در خصوصی‌سازی پروژه‌های دولتی، به‌استثنای بخش نفت. فراخوان خصوصی‌سازی بر این فرض استوار است که آنچه برای کشورهای پیشرفته کار می‌کند بدون شک برای کشورهای در حال توسعه از جمله عراق نیز مفید خواهد بود، بدون توجه به هیچ مشکلی. از جمله بی‌ثباتی امنیت، بی‌ثباتی سیاسی، تشدید بیکاری و بسیاری از مشکلات و شرایط و داده‌های مختلف. (ظافر، ۲۰۰۷: ۴۸) برای عراق، آنچه بیشتر از همه متمایز است، ضعف بخش محلی است، واژه‌های جداشده از شرایط فعلی و واقعیت اقتصاد عراق. (حداد، ۲۰۱۰: ۴۸)

۴. (قانون استراتژی مالیاتی) حد بالای مالیات بر درآمد را برای شرکت‌ها و افراد تعیین کرده است. (الوقائق العراقية، ۲۸-۲۳) در (۱۵٪) و همچنین برخی مالیات‌ها را به حالت تعلیق درآورده و سایر مالیات‌ها را فعال می‌کند که باعث باز شدن مرزهای عراق برای کالاهای خارجی ناشی از جهانی‌شدن می‌شود، این قانون همچنین از مقامات اشغالگر و نیروهای کشورهایی که با آن‌ها کار می‌کنند، پیمانکاران فرعی که با هماهنگی نیروهای اشغالگر کار می‌کنند، وزارتخانه‌ها و دولت‌های نیروهای اشغالگر، پیمانکاران فرعی و اومانیست‌هایی که کمک فنی می‌کنند، مستثنا است. (حداد، ۲۰۱۰: ۴۸)

۵. افزایش میانگین تمایل به واردات عراق با کاهش عوارض گمرکی به (۵٪) و معافیت واردات بشردوستانه از آن‌ها، در صورت (قانون تعلیق حقوق گمرکی) این فرصت را برای ورود کالا و کالا از بندرها و کشورهای مختلف به عراق بدون کنترل فراهم شد. مرزها و گشودن دروازه‌های عراق برای واردات کالاها و محصولات فرومایه، از جمله محصولات

تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۹۳

نامناسب برای مصرف انسان، همان‌طور که این حمله و در نتیجه آن اشغال در سال‌های سلطه و نفوذ خود به دنبال پیوند منافع بسیاری با آن و بازار جهانی سرمایه‌داری بود. این امر ابتدا با اتکا به تاجران و بازرگانان بزرگ صورت گرفت که ثروت آن‌ها تحت حمایت رژیم قبلی رشد کرد و تا سقوط آن از راه علاقه به آن وابسته بودند. (همان: ۴۸)

سیاست‌های تعدیل ساختاری، یا آنچه ممکن است «برنامه‌های تعدیل اقتصادی بین‌المللی» خوانده شود، سیاست‌های نسبتاً جدید هستند؛ زیرا شروع آن‌ها به‌طور عمده به «بروز بحران بدهی خارجی» مربوط می‌شود که از سال ۱۹۸۲ کشورهای در حال توسعه را دربر گرفت؛ با اعلامیه مکزیک و سپس برخی از کشورهای آمریکایی. به‌ویژه لاتین و آفریقا، افزون بر کشورهایی از آسیا که قادر به پرداخت بدهی‌های خارجی خود نیستند بود؛ بنابراین، این یک سیاست ناشی از نیازهای توسعه اقتصادی و توسعه نیست.

بر این اساس، هزینه اجتماعی فقط از دست دادن شغل نخواهد بود؛ زیرا تأثیرات اجتماعی متوالی به همه زندگی افرادی که برای تأمین معاش خود به دستمزد یا حقوق بستگی دارند، گسترش خواهد یافت.

می‌توان با مراجعه به متون توافق‌نامه تعدیل ساختاری بین دولت عراق، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نشان داد که همان نقاط توافق به‌عنوان مصالح پروژه اصلاح اقتصادی تصویب شده است. (مهدی حسین، ۱۹۷۷: ۱۱۶)

رشد اقتصادی به معنای سرمایه‌داری آن به معنای پایان انباشت سرمایه‌داری است و این واقعیت که نظریه‌پردازان حکومتی از واژه سرمایه‌دار یا طبقه کارگر استفاده نمی‌کنند، اصل موضوع را تغییر نمی‌دهد. سرمایه‌گذار که به‌منظور تولید و سود، کار مزدی را اداره می‌کند، یک سرمایه‌دار است و سرمایه‌داری معنایی جز این ندارد.

کل پروژه اصلاحات به اصطلاح اقتصادی تحکیم سرمایه‌داری در شکل نئولیبرالی آن است، یعنی استثمارگرترین نوع آن و استفاده از مفاهیمی چون اصطلاحات، رشد، توسعه، گمراه کردن و پنهان ماندن واقعیت‌ها است. افزون بر این، هیچ‌یک از ادعاهای مدافعان این پروژه از نظر اقتصادی قابل اثبات نیست و بنابراین اندازه‌گیری خاصی برای رشد نداریم که قابل اندازه‌گیری باشد.

رشد بخش خصوصی سرمایه‌داری در عراق همچنان محدود بود تا اینکه درآمد نفت در سرمایه در کوت‌های قبل ۲۰۰۳ به جریان درآمد و به گسترش صنایع دولتی و وام به بخش خصوصی تبدیل شد. با توجه به باز بودن بازار جهانی، ملاک ظرفیت اقتصادی صنعتی تبدیل به صادرات یا جایگزینی واردات می‌شود و توانایی رقابت با صنعت گسترده جهانی خواهد بود. ولی بخش صنعتی در عراق ظرفیت رقابت جهانی را ندارد که فقط از راه فناوری پیشرفته و انحصار بازار یا کار ارزان و ایمن در صنایع سنتی که توسط شرکت‌ها و برندهای بین‌المللی اداره می‌شود، به دست می‌آید، همان‌طور که در بنگلادش و برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا اتفاق می‌افتد. (الخفاجی، ۱۹۸۳: ۱۳)

پروژه اصلاحات اقتصادی بر تغییر ساختار و تغییر جهت اقتصادی متمرکز است؛ اما نمی‌گوید اقتصاد باید به کجا برسد؟ چه نوع پروژه‌هایی دستیابی به رشد را تضمین می‌کنند، یا می‌توان نشان داد که آن‌ها رشد را به سمت جلو سوق می‌دهند، یا چه صنعت یا محصولی خاص که عراق می‌تواند از مزیت صادرات آن برخوردار باشد؟ بیش از همه، ملاک رشد از نظر اقتصاددانان دولتی چیست؟

طرفداران اصلاحات در مورد تغییر ساختار، اصلاحات مالی، اصلاح مالیات، انحلال بخش عمومی، پایان دادن به مسئولیت اجتماعی دولت، هرگونه تکرار سیاست‌های پیشنهادی و آزمایش شده در بسیاری از کشورها و نه پروژه‌های توسعه یا پیشرفت صحبت می‌کنند. در نتیجه، پیشنهاد اقتصاددانان دولتی یک تبلیغ و توجیه است و نه یک توجیه اقتصادی جهانی.

تمام آنچه در جهان اتفاق می‌افتد تمرکز انحصارات در سرمایه‌های عظیم است، در حالی که این پروژه به دنبال از بین بردن انحصار دولت است. پس از یک و نیم دهه نظریه پردازی و تشویق برای پروژه، هیچ‌یک از اقتصاددانان دولتی با وجود هزینه‌های میلیاردی و هدر دادن ثروت عمومی، هیچ دلیلی بر موفقیت یک گام از آنچه به عنوان اصلاحات شناخته می‌شود، ارائه ندادند.

## فقر

نتیجه سیاست‌های تورمی موجود در سیاست‌های تعدیل ساختاری فقر است، کاهش ارزش

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۹۵

واقعی دستمزد، کاهش و حذف یارانه برخی کالاها و خدمات دولتی و تحمیل یا افزایش هزینه‌های این خدمات، افزون بر کاهش ارزش ارز همراه با افزایش قیمت کالاهای وارداتی یا حاوی کالاهای ورودی وارداتی و همچنین وضع مالیات غیرمستقیم، سیاست‌های تعدیل ساختاری مستقیماً به افزایش فقر کمک می‌کند. (جرادی و قسیور، ۱۹۹۶: ۲۰)

از نظر صندوق و بانک، باید در مورد «افزایش نرخ فقر»، به‌عنوان یکی از نتایج سیاست‌های تنظیم ساختار، بین مناطق شهری و روستایی تمایز قائل شد. در مورد فقرای روستایی، فرض بر این است که سیاست‌های تعدیل ساختاری، با آزادسازی قیمت، تأثیر مثبتی بر متوسط درآمد افراد فقیر و افزایش کارایی دارند، در حالی که تأثیر منفی سیاست‌های تعدیل ساختاری (افزایش نسبت فقرا) به‌طور عمده مربوط به جمعیت شهری است. (یوکول هوانج، ۱۹۸۷: ۲۳)

به نظر می‌رسد این دیدگاه با واقعیت مطابقت ندارد، بر این اساس که کاهش ارزش پول منجر به افزایش قیمت نهاده‌های تولید محصولات کشاورزی مانند کود، قطعات یدکی تجهیزات و ماشین‌آلات کشاورزی، دستمزد حمل و نقل و... شده است؛ بنابراین ذینفع مورد انتظار از سیاست‌های تعدیل ساختاری محدود به سرمایه‌داران و زمین‌داران و شرکت‌های فراملیتی است. (دارام جای و دی الکتانتارا، ۱۹۹۳: ۵۶-۵۷)؛ دیدگاه اخیر از راه نتایج اعمال واقعی سیاست‌های تعدیل ساختاری که نشان داد (به‌ویژه در آمریکای لاتین و جنوب صحرای آفریقا) افزایش نرخ فقر در مناطق شهری را پشتیبانی می‌کند و می‌توان گفت که این درصد در مناطق روستایی کم است.

جدول ۷. میزان فقر در عراق ۲۰۰۷-۲۰۱۲ برحسب استان‌ها

میزان تغییر	۲۰۱۲ (%)	۲۰۰۷ (%)	استان
۱۷	۴۲/۳	۲۵/۳	میسان
۱۱/۵	۳۴/۵	۲۳	نینوی
۹/۱	۴۴/۱	۳۵	القادسیة
۸/۹	۴۰/۹	۳۲	ذی قار
۳/۷	۵۲/۵	۴۸/۸	المثنی
۰/۲	۳/۶	۳/۴	اربیل

استان‌هایی که فقر در آن‌ها بیشتر شد

ادامه جدول ۷: میزان فقر در عراق ۲۰۰۷-۲۰۱۲ برحسب استان‌ها

میزان تغییر	۲۰۱۲ (%)	۲۰۰۷ (%)	استان
-۰/۷	۹/۱	۹/۸	کرکوک
-۰/۸	۱۲	۱۲/۸	بغداد
-۱/۳	۲	۳/۳	السليمانية
-۰/۵	۵/۸	۹/۳	دهوک
-۵/۵	۱۵/۴	۲۰/۹	الانبار
-۸/۷	۲۶/۱	۳۴/۸	واسط
-۱۲/۶	۲۰/۵	۳۳/۱	ديالى
-۱۳/۶	۱۰/۸	۲۴/۴	النجف
-۱۷/۲	۱۴/۹	۳۲/۱	البصرة
-۲۳/۲	۱۶/۶	۳۹/۹	صلاح الدين
-۴۲/۲	۱۲/۴	۳۶/۹	کربلاء
-۲۶/۲	۱۴/۵	۴۱/۲	بابل
-۴	۱۸/۹	۲۲/۴	مجموع

استان‌هایی که فقر در آن‌ها کمتر شد

(جمهوریة العراق، استراتيجية التخفيف من الفقر في العراق للمدة من (۲۰۱۸-۲۰۲۲)، كانون الثاني ۲۰۱۸: ۹)

از تجزیه و تحلیل داده‌های جدول ۷ مشخص است که نرخ فقر در عراق از ۲۲/۴٪ در سال ۲۰۰۷ به ۱۸/۹٪ در ۲۰۱۲ کاهش یافته است، اما ۴۰٪ فقرا در سال ۲۰۰۷ در پنج استان (بغداد، بصره، نینوا، بابل و ذی‌قار) در سال ۲۰۱۲ به ۵۸٪ افزایش یافت. فقر در استان‌های میسان و نینوا بدتر شد، زیرا نرخ آن به بیش از ۱۰٪ و همچنین در استان‌های قادسیه و ذی‌قار به ۹٪ افزایش یافت و در استان المثنی ۷٪ افزایش یافت توجه داشته باشید که در مقایسه با بقیه استان‌های عراق بالاترین نرخ فقر است درصد فقر در استان‌های صلاح‌الدین، کربلا و بابل از (۳۹/۹٪، ۳۶/۹٪، ۴۱/۲٪) به (۱۶/۶٪، ۱۲/۴٪، ۱۴٪، ۵٪)، به ترتیب، برای سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۱۲.

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزیه و رضانجفزاده) ۹۷

جدول ۸. میزان فقر برحسب استان‌های عراق از سال ۲۰۱۲

ت	استان	میزان فقر			میزان شکاف فقر			میزان محرومیت
		شهر	روستا	مجموع	شهر	روستا	مجموع	
۱	دهوک	۴/۱	۱۰/۵	۵/۸	۰/۷	۱/۷	۰/۹	۵/۰
۲	نینوی	۲۷/۷	۴۴/۹	۳۴/۵	۶/۰	۱۰/۹	۸/۰	۷/۰
۳	السلیمانیه	۱/۴	۴/۸	۲/۰	۰/۳	۱/۰	۰/۴	۰/۰
۴	کرکوک	۶/۱	۱۵/۴	۹/۱	۱/۲	۲/۸	۱/۷	۳/۰
۵	أربیل	۲/۴	۹/۳	۳/۶	۰/۳	۱/۳	۰/۵	۶/۰
۶	دیالی	۱۵/۲	۲۵/۲	۲۰/۵	۲/۵	۵/۳	۴/۰	۲/۰
۷	الانبار	۱۲/۴	۱۸/۲	۱۵/۴	۱/۶	۳/۹	۲/۷	۵/۰
۸	بغداد	۱۰/۱	۲۵/۴	۱۲/۰	۱/۶	۴/۸	۲/۰	۵/۰
۹	بابل	۹/۷	۱۸/۷	۱۴/۵	۱/۸	۳/۳	۲/۶	۳/۰
۱۰	کربلاء	۱۲/۳	۱۲/۵	۱۲/۴	۲/۱	۱/۸	۲/۰	۳/۰
۱۱	واسط	۲۱/۳	۳۲/۸	۲۶/۱	۴/۸	۹/۰	۶/۵	۱۱/۰
۱۲	صلاح‌الدین	۱۱/۱	۲۱/۱	۱۶/۶	۱/۹	۴/۲	۳/۱	۲۰/۰
۱۳	النجف	۶/۴	۲۰/۵	۱۰/۸	۱/۲	۲/۸	۱/۷	۳/۰
۱۴	القادسیه	۳۲/۰	۶۰/۲	۴۴/۱	۶/۵	۲/۲۲	۱۲/۴	۳/۰
۱۵	المثنی	۳۸/۲	۶۳/۷	۵۲/۵	۸/۷	۱۸/۸	۱۴/۴	۱۲/۰
۱۶	ذی‌قار	۲۷/۸	۶۱/۰	۴۰/۹	۵/۲	۱۷/۹	۱۰/۲	۱۷/۰
۱۷	میسان	۲۹/۱	۷۳/۳	۴۲/۳	۶/۶	۲۳/۸	۱۱/۸	۷/۰
۱۸	البصره	۱۳/۷	۱۹/۶	۱۴/۹	۲/۵	۴/۱	۲/۸	۲۱/۰
	مجموع	۱۳/۵	۳۰/۷	۱۸/۹	۲/۵	۷/۶	۴/۱	۶/۰

(جمهوریة العراق، وزارة التخطيط، الجهاز المركزي للأحصاء، علی طریق الأهداف الألفية ۲۰۱۳، كانون الأول، ۲۰۱۳: ۴۲)

براساس جدول بالا، سطح فقر در میان مناطق عراق برای سال ۲۰۱۳، با توجه به موارد زیر از ۱ تا بیش از ۷۰٪ است:

۱- فقیرترین مناطق عراق (غماس در استان القادسیه، بنی‌هاشم در استان میسان، الهلال، نجمی، الورکا و السویر در استان المثنی) و نرخ فقر بین ۷۰-۷۷ و ۲۲۱،۹۷۳ نفر در آن زندگی می‌کنند.

- ۲- حلبچه، مرکز سلیمانیه، مرکز منطقه دربندیخان در استان سلیمانیه، فلسطین در استان بغداد و منطقه عین کاوا در اربیل که فقر آن‌ها کمتر از ۱٪ از قبلی است.
- ۳- ۴۰ منطقه فرعی وجود دارد که ۱۰٪ مناطق عراق را تشکیل می‌دهد، بیش از نیمی از فقرا را تشکیل می‌دهد که تعداد آن‌ها سه میلیون نفر است.
- ۴- مناطق توسعه‌یافته در فعالیت اقتصادی دارای نرخ فقر کمتر از ۱۰٪ هستند، مانند مناطق ام قصر و فاو که بندرهای اصلی در استان بصره هستند.
- ۵- استان نینوا بالاترین تعداد افراد فقیر را دارد که بالغ بر ۱۲۶۰۰۰ نفر است، نیمی از آن‌ها در مناطق مرکز موصل و مرکز منطقه تلعفر زندگی می‌کنند. استان بغداد در رتبه‌بندی فقر ششم است.
- مورد دوم در تعداد افراد فقیر است که تعداد آن‌ها ۷۸ هزار نفر است و در استان ذی‌قار به ۷۰ هزار نفر کاهش می‌یابد که ۳۶٪ آن‌ها در مرکز منطقه ناصریه شطره و غراف متمرکز هستند.
- ۶- درصد فقر در استان‌های مختلف به‌وضوح متفاوت است، برای مثال، در بغداد بین (کمتر از ۱-۴۹٪) و در استان میسان بین (۲۱-۷۳) است.
- نرخ فقر در عراق برای سال ۲۰۱۷ به ۲۲/۵٪ رسید و تعداد فقرا پس از بحران جنگ علیه تروریسم و کاهش قیمت نفت از جمله ۳۶٪ فقیران جدید به هشت میلیون فقیر افزایش یافت. نرخ فقر در استان‌های نینوا، صلاح‌الدین و انبار به ۴۱٪ افزایش یافت، این درصد در بغداد به ۱۲/۸٪ افزایش یافت و در استان‌های مرکزی (بابل، کربلا، واسط، نجف) به ۱۸/۶٪ رسید و در ۳۱/۵٪ در القادسیه و استان‌های جنوبی (مثنی، ذی‌قار، میسان و بصره)، در استان‌های کرکوک و دیالی ۱۸٪ و در منطقه کردستان ۱۲/۵٪ تخمین زده شده است.
- جدول ۷ و ۸ میزان فقر را بین سال ۲۰۰۷ و ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که در این جدول میزان فقر از ۲۲/۴ در ۲۰۰۷ به ۱۸/۹ کاهش داد، ولی این کاهش به دلیل دخالت دولت و بخش عمومی همان‌طور که در جدول نشان داده شده و با بالارفتن قیمت نفت همراه و به‌طور موقت بود؛ زیرا به دلیل سیاست‌های ریاضت و کاهش قیمت نفت و به‌تازگی بالابردن قیمت دلار در مقابل دلار و طبق گزارش وزارت برنامه و بودجه عراق در سال ۲۰۲۱ فقر به

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزیه و رضانجفزاده) ۹۹  
 ۲۷٪ رسیده و در این وسط نقشی از بخش خصوصی برای رفع فقر دیده نمی‌شود؛ بلکه با  
 این سیاست‌ها سرمایه‌داران که پول‌های خود را به دلار و ارزهای دیگر در خارج از عراق  
 نگهداری می‌کنند، ثروتمندتر شدند؛ نیروی کار ارزان‌تر و فقیران، فقیرتر شدند.

### بدهی

طبق گزارش اعضای کمیته مالی در پارلمان، مجموع بدهی داخلی و خارجی عراق در سال  
 ۲۰۱۸ به ۹۰،۴۴۸ هزار میلیارد دینار عراقی رسید (جدول ۹ و ۱۰)؛ اگرچه اعضای کمیته  
 مالی مانند نجیبه نجیب می‌گویند: «ما رقم مشخصی از بدهی‌های عراق نداریم.» طبق  
 ادعاهای مشاوران دولت، بدهی‌های فعلی نتیجه وام‌های رژیم گذشته است و آنچه  
 تنظیم‌شده سود مربوط به مبلغ اصلی است.

جدول ۹. رشد بدهی عمومی داخلی در عراق از سال (۲۰۱۸-۲۰۰۴)

سال	بدهی عمومی داخلی (میلیون دینار) (۱)	معدل تغییرات سالانه (%) (۲)
۲۰۰۴	۶۰۶۱۶۸۸	-
۲۰۰۵	۶۵۹۳۹۶۰	۸/۷۸
۲۰۰۶	۵۶۴۵۳۹۰	-۱۴/۳۸
۲۰۰۷	۵۱۹۳۷۰۵	-۸
۲۰۰۸	۴۴۵۵۵۶۹	-۱۴/۲۱
۲۰۰۹	۸۴۳۴۰۴۹	۸۹/۲۹
۲۰۱۰	۹۱۸۰۸۰۶	۸/۸۵
۲۰۱۱	۷۴۴۶۸۵۹	-۱۸/۸۸
۲۰۱۲	۶۵۴۷۵۱۹	-۱۲/۰۷
۲۰۱۳	۴۲۵۵۵۴۹	-۳۵
۲۰۱۴	۹۵۲۰۰۱۹	۱۲۳/۷۰
۲۰۱۵	۳۲۱۴۲۸۰۵	۲۳۷/۶۳
۲۰۱۶	۴۷۳۶۲۲۵۱	۴۷/۳۴
۲۰۱۷	۴۷۶۷۸۷۹۶	۰/۶۶
۲۰۱۸	۴۱۸۲۲۹۱۸	-۱۲/۲۸

(البنك المركزي العراقي، الموقع الاحصائي، القطاع المالي، اجمالي الدين العام الداخلي، للسنوات ۲۰۰۴-)



براساس داده‌های جدول، برای ما روشن است که بدهی عمومی داخلی در طی دوره (۲۰۰۴-۲۰۱۸) بین افزایش و سقوط در نوسان است، زیرا کل بدهی عمومی داخلی در سال ۲۰۰۴ بالغ بر (۶۰۶۱۶۸۸) میلیون دینار بوده است، بدهی عمومی داخلی در سال ۲۰۰۵ با نرخ تغییر (۸/۷۸٪) به (۶۵۹۳۹۶۰) میلیون دینار افزایش یافت، سپس بدهی عمومی برای یک دوره (۲۰۰۸-۲۰۰۸) کاهش یافت، جایی که در سال ۲۰۰۸ به (۴۴۵۵۵۶۹) میلیون دینار رسید با نرخ تغییر منفی (۱۴/۲۱٪)، در مقایسه با ۲۰۰۶ (۵۶۴۵۳۹۰) میلیون دینار. نرخ منفی تغییر (۱۴/۳۸٪)، به دلیل آزادی عراق از محاصره اقتصادی و محدودیت‌هایی که قبل از ۲۰۰۳ و افزایش صادرات نفت خام و افزایش قیمت آن‌ها که منجر به افزایش درآمدهای دولت و مزاد بودجه عمومی دولت شده است.

در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۰، بدهی عمومی افزایش یافته است و دلیل این امر ناشی از کاهش درآمدهای دولت به دلیل کاهش قیمت نفت در نتیجه کاهش تقاضای جهانی نفت توسط کشورهای صنعتی به سبب پیامدهای بحران مالی جهانی است و بنابراین بر فعالیت اقتصادی از راه کاهش حجم تأثیر می‌گذارد که منجر به افزایش بدهی عمومی داخلی به (۸۴۳۴۰۴۹) میلیون دینار در سال ۲۰۰۹ با نرخ تغییر (۸۹/۲۹٪) شده است.

در مورد دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۳، متوجه می‌شویم که کل بدهی عمومی شاهد و نزول مداوم، زیرا کل بدهی عمومی به ۴۲۵۵۵۴۹ میلیون دینار در سال ۲۰۱۳ با نرخ تغییر منفی (۳۵-) نسبت به سال ۲۰۱۱ که بالغ بر ۷۴۴۶۸۵۹ میلیون دینار و نرخ تغییر منفی ۱۸/۱۸٪ بوده است. برگزارشده توسط بانک مرکزی در پایان سال ۲۰۱۲، افزون بر کاهش وام‌های اعطاشده به وسیله بانک مرکزی به ادارات دولتی در طول سال جاری و همچنین افزایش درآمد نفت به عنوان یک نتیجه افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی، به ویژه پس از سال ۲۰۰۳، در حالی که بدهی عمومی داخلی در دوره ۲۰۱۴-۲۰۱۷ به طور قابل توجهی افزایش یافت، زیرا بدهی عمومی داخلی از ۹۵۲۰۰۱۹ میلیون دینار در سال ۲۰۱۴ با نرخ تغییر افزایش یافت ۱۲۳/۷۰٪ تا ۴۷۶۷۸۷۹۶ میلیون دینار در سال ۲۰۱۷، با نرخ تغییر ۰/۶۶٪.

دلیل اصلی افزایش بدهی عمومی داخلی در سال‌های اخیر به دلیل شوک مضاعف به

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزیه و رضانجفزاده) ۱۰۱

اقتصاد عراق در نیمه دوم سال ۲۰۱۴ است که هم با کاهش قیمت نفت و هم در نتیجه کاهش سطح این نشان داده شد. قیمت‌ها، افزون بر افزایش هزینه‌های نظامی برای مبارزه با داعش. داعش تروریست که کل بودجه عراق را غنی کرده و کمبود نقدینگی آشکاری ایجاد کرده است، باعث کسری مالی در بودجه عمومی این کشور شد، به‌ویژه در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، مجبور به دولت برای جبران شکاف مالی نشان‌دهنده کمبود نقدینگی به‌منظور پرداخت کسری بودجه برای سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، به بدهی‌های داخلی و خارجی متوسل می‌شود، همان‌طور که برای سال ۲۰۱۸، حجم بدهی عمومی به ۴۱۸، ۲۲۹۱۸ میلیون دینار با نرخ تغییر منفی سالیانه ۱۲/۲۸٪- نسبت به سال ۲۰۱۷ و دلیل این امر بهبود شرایط امنیتی و اقتصادی عراق و افزایش قیمت نفت و افزایش درآمدهای دولت است.

جدول ۱۰. بدهی خارجی از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۸ (وزارت اقتصاد)

سال	مجموع بدهی عمومی خارجی (میلیون دلار) (۱)	مجموع بدهی عمومی خارجی (میلیون دینار) (۲)	معدل تغییرات سالانه (%) (۳)
۲۰۰۴	۸۸۷۸۸	۱۲۹۶۳۰۴۸۰	-
۲۰۰۵	۷۱۲۸۰	۱۰۵۰۶۶۷۲۰	-۱۸/۹۴
۲۰۰۶	۵۸۵۳۲	۸۱۴۱۸۰۱۲	-۲۲/۵۰
۲۰۰۷	۵۹۲۵۲	۷۲۱۰۹۶۸۴	-۱۱/۴۳
۲۰۰۸	۴۶۶۳۷	۵۴۶۵۸۵۶۴	-۲۴/۲۰
۲۰۰۹	۴۵۰۱۵	۵۲۶۶۷۵۵۰	-۳/۶۴
۲۰۱۰	۴۷۵۱۹	۵۵۵۹۷۲۳۰	-۵/۵۶
۲۰۱۱	۴۵۱۵۹	۵۲۸۳۶۰۳۰	-۴/۹۶
۲۰۱۲	۴۴۱۹۹	۵۱۵۳۶۰۳۴	-۲/۴۶
۲۰۱۳	۴۲۸۰۳	۴۹۹۰۸۲۹۸	-۳/۱۵
۲۰۱۴	۴۳۲۰۴	۵۰۳۷۵۸۶۴	۰/۹۳
۲۰۱۵	۴۴۵۳۳	۵۲۶۳۸۰۰۶	۴/۴۹
۲۰۱۶	۴۴۱۹۲	۵۲۲۳۴۹۴۴	-۰/۷۶
۲۰۱۷	۷۱۷۸۵	۷۳۱۵۳۴۴۰	۴۰/۰۴
۲۰۱۸	۴۰۸۶۲	۴۸۶۲۵۷۸۰	-۳۳/۵۲

(وزارة المالية، دائرة الدين، قسم الدين الخارجي، للسنوات (۲۰۱۸-۲۰۰۴))

از داده‌های جدول ۱۰ مشخص است که بدهی خارجی در سال‌های اول مطالعه به دلیل ترک بدهی و سود قبل از ۲۰۰۳ بسیار زیاد بود، اما این بدهی در دوره ۲۰۰۴-۲۰۰۹ کاهش یافت. با کاهش کل بدهی خارجی در سال ۲۰۰۹ برای رسیدن به ۵۲۶۶۷۵۵۰ میلیون دینار، با نرخ تغییر سالانه منفی حدود ۳/۶۴٪ نسبت به سال ۲۰۰۴، به مبلغ ۱۲۹۶۳۰۴۸۰ میلیون دینار و دلیل این کاهش به دلیل رفع محاصره اقتصادی عراق و آزادسازی عراق از تحریم‌ها و محدودیت‌های اعمال شده قبل از سال ۲۰۰۳ و همچنین اجرای توافق‌نامه باشگاه پاریس که طبق آن ۸۰٪ بدهی خاموش شد.

بدهی‌های آن دوره افزون بر افزایش صادرات نفت خام و افزایش قیمت آن‌ها که منجر به افزایش درآمدهای نفتی و افزایش ذخایر خارجی و در نتیجه دستیابی به مازاد بودجه عمومی ایالت شد که منجر به افزایش توانایی دولت در پرداخت بدهی‌های خود، کاهش حجم بدهی‌های خارجی و کاهش بارهای خدمات بدهی، به‌ویژه بهره و ما در سال ۲۰۱۰ نیز افزایش حجم بدهی خارجی را یادداشت می‌کنیم، مبلغ ۵۵۵۹۷۲۳۰ میلیون دینار و نرخ تغییر سالانه ۵/۵۶٪، به دلیل افزایش وام‌های جدید برای تأمین کسری بدهی. تعادل حاصل از افزایش هزینه‌های دولت، افزون بر وام برای تأمین مالی وزارت برق. در طول دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۳، کل بدهی خارجی ۵۲۸۳۶۰۳۰ میلیون دینار در سال ۲۰۱۱ نسبت به سال قبل با نرخ تغییر منفی سالانه ۴/۹۶٪- کاهش یافته و بدهی خارجی همچنان رو به کاهش است ۴۹۹۰۸۲۹۸ میلیون دینار در سال ۲۰۱۳. با نرخ تغییر منفی ۳/۱۵٪-، دلیل این کاهش به دلیل کاهش وام‌های جدید و برنامه‌ریزی مجدد وام‌ها در نتیجه افزایش قیمت نفت و افزایش درآمد دولت است که منجر به افزایش توانایی دولت در پرداخت بخشی از بدهی خارجی و منافع آن شد.

با توجه به دوره ۲۰۱۴-۲۰۱۷، ما یادآوری می‌کنیم که حجم بدهی خارجی در آن دوره شروع به افزایش کرد، زیرا در سال ۲۰۱۴، ۵۰۳۷۵۸۶۴ میلیون دینار با نرخ تغییر سالانه ۰/۹۳٪ بود. افزایش اندازه بدهی خارجی تا زمانی که به مبلغ ۷۳۱۵۳۴۴۰ میلیون دینار در سال ۲۰۱۷ رسید ادامه داشت. با نرخ تغییر سالانه ۴۰/۰۴٪، این افزایش به افزایش موجودی

تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزیه و رضانجفزاده) ۱۰۳

وام‌های جدید (مانند وام صندوق بین‌المللی پول) و همچنین افزایش هزینه‌ها، به‌ویژه هزینه‌های نظامی، به‌دلیل شرایط جنگ با تروریسم از یک طرف و بازده مالی صادرات نفت که شهرت اصلی عراق به حساب می‌آید از طرف دیگر برای درآمد متکی است و همچنین هزینه‌های کلان ناشی از تخریب املاک و زیرساخت‌ها در مناطق آزادشده که باعث عدم تعادل داخلی و خارجی و کسری بزرگ و افزایش بودجه عمومی شد و دولت را مجبور به متوسل شدن دوباره کرد برای جبران کسری مالی در بودجه‌های دو سال فوق، از مؤسسات مالی بین‌المللی قرض بگیریید.

در سال ۲۰۱۸، بدهی عمومی خارجی به‌دلیل کاهش وام‌های جدید و برنامه‌ریزی مجدد وام‌ها و همچنین افزایش قیمت نفت و افزایش درآمد دولت؛ بنابراین، باید توجه داشت که باوجود لغو یا کاهش برخی از بدهی‌ها که حاصل شده است، منابعی از داخل بانک مرکزی عراق وجود دارد که نشان می‌دهد این بدهی‌ها و جبران خسارت زیاد هنوز مانعی برای بازسازی عراق از جدید است، زیرا اقتصاد عراق چنین نیست. این هنوز از افزایش مداوم نرخ فقر و زیرساخت‌های تخریب‌شده رنج می‌برد، این امر مستلزم درخواست از کشورها برای نوشتن بدهی‌های خود و در نظر گرفتن این بدهی‌ها به‌عنوان سهم خود در بازسازی عراق است. این بدهی‌ها تحت شرح بدهی‌های کلانی قرار دارند که قرار است به‌طور جهانی از بین برود و در عوض در تأمین مالی جنگ‌ها به کار گرفته شود.

با توجه به جدول‌های بدهی داخلی و خارجی افزایشی واضح را باوجود منابع فراوان در عراق می‌بینیم و این بدهی‌ها یکی از مهم‌ترین ابزارهای نئولیبرالیسم برای تحمیل سیاست‌های تعدیل ساختار اقتصادی در سطح جهان بوده است. این اظهارات که بدهی فعلی امتداد بدهی رژیم سابق است جعلی است و خود نشان‌دهنده اهداف سیاسی است که کشور عراق را در مقابل مقصر و متجاوز در مقابل تبرئه همه طرف‌های جنگ با این کشور قرار می‌دهد از جمله ائتلافی که پایه‌های زندگی را نابود کرد.

تمام بدهی‌های رژیم گذشته، از جمله بدهی‌های باشگاه پاریس و غرامت اغراق‌آمیز کویت، می‌توانست به مدت دو یا سه سال بدون درگیر شدن با صندوق بین‌المللی پول

به‌طور کامل از درآمد نفت پرداخت شود؛ اما این یک اشتباه نبوده بلکه یک سیاست هدفمند و آگاهانه است. از سال ۲۰۰۳، به‌ویژه از زمان رونق قیمت نفت، بازده مالی زیادی در عراق حاصل شده است که می‌توان طی چند سال تمام این بدهی‌ها را پرداخت کرد؛ بنابراین ما با ناتوانی دولت یا از بین رفتن اراده دولت روبه‌رو هستیم؛ بنابراین نمی‌توان انتظار راه‌حل مناسبی را از سوی دولت که به‌دنبال گرفتن وام مجدد است را داشته باشیم. اقتصاددانان رسمی عراق به‌بهانه اینکه این توافق‌نامه بدهی‌های باشگاه پاریس را کاهش می‌دهد، از توافق‌نامه با صندوق بین‌المللی پول و شرایط تعیین‌شده به‌وسیله آن دفاع کرده‌اند. از آن زمان، بدهی جمع شده و بسیار افزایش یافته است. اگر سیاست باشگاه پاریس در قبال کشورهای بدهکار را مرور کنیم، متوجه خواهیم شد که این سیاست با بدهی و کاهش بهره برای دهه‌های آینده از راه به‌اصطلاح کاهش بدهی در ارتباط است.

گزارش شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل می‌گوید. این روند زمان‌بندی مجدد، می‌تواند از مشکلات فوری جریان نقدینگی بکاهد؛ اما تعادل بدهی‌های کل را افزایش می‌دهد؛ برای مثال، حدود ۴۰٪ از بدهی بلندمدت و بدون امتیاز، شرایط بدهی کشورهای آفریقایی به باشگاه پاریس در پایان سال ۱۹۸۸، سود متراکم متعلق به روند برنامه‌ریزی باشگاه را نشان داد؛ بنابراین، روند برنامه‌ریزی فقط «یک ترفند محاسباتی» است و از نظر کاهش میزان بدهی کشورها به طلبکاران رسمی، کار کمی انجام می‌دهد.<sup>۱</sup>

به‌دلیل بهره بدهی قدیمی، میلیاردها دلار دیگر بر بدهی جمع می‌شود و مقادیر جدید بدهی به آن اضافه می‌شود، همان‌طور که در حال حاضر وجود دارد. این چرخه معیوب اجتناب‌ناپذیر است و چاره‌ای نیست، به شرطی که سیاست اقتصادی دولت مطابق با همان طرح و مسیر دو دهه گذشته ادامه یابد. این سیاست‌های دولت دلیل بدهکاری و تشدید بدهی‌ها است.

---

۱. الحقوق الاقتصادية والاجتماعية والثقافية. آثار سياسات التكيف الهيكلية على التمتع الكامل بحقوق الإنسان. گزارشی از کارشناس مستقل فانتو شیرو مطابق گزارشگران گروه ۱۰۲/۱۹۹۸ و ۱۰۳/۱۹۹۷. مجلس اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل.

تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۱۰۵

## فساد

فساد اداری و مالی یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که دولت‌ها در کشورهای مختلف با آن روبه‌رو شده‌اند و یک چالش آشکار برای توسعه اقتصادی و اجتماعی و یک پدیده مشترک است؛ و از بین رفتن مکانیزم‌های پاسخ‌گویی و مجازات با قانونی که منجر به تشدید پدیده فساد اداری می‌شود، این همان اتفاقی است که در کشورهایی که با مورد جنگ و تحریم اقتصادی قرار گرفتند اتفاق افتاد (اگر ژاپن و آلمان را مستثنا کنیم). این پدیده ارتباط چندانی با توسعه‌نیافتگی و عقب‌ماندگی ندارد بلکه در دولت‌های پیشرفته با نسبت‌های گوناگونی نیز وجود دارد به همان اندازه که مربوط به اخلاق اداری عمومی برگرفته از مبانی رفتار اخلاقی در جامعه مربوط است.

عراق یکی از کشورهایی بود که در معرض این پدیده قرار داشت و تحت اشغال آمریکا و انگلیس و کسانی که این اشغال را از برخی کشورهای همسایه تسهیل کردند در آن نقش داشتند و این پدیده پس از اشغال به‌شدت وخیم‌تر شده است و منجر به ادامه ویرانی در عراق شده است و با وجود گذشت سال‌ها از اشغال و خرج بیش از هزار میلیارد دلار هنوز هم دولت عراق مصرف‌گرا، واردکننده و دارای اقتصادی رانته است؛ برای مثال سال ۲۰۱۲ حدود ۱۱۲ میلیارد دلار بودجه عراق بود که معادل بودجه ۴ کشور همسایه و پول هزینه شده از ابتدای اشغال تا پایان سال ۲۰۱۱، حدود ۴۵۰ میلیارد دلار و با افزایش بودجه ۲۰۱۲، مبلغ ۵۶۲ میلیارد دلار می‌شود؛ اما نتایج حاصل از این هزینه در زمین غیرقابل لمس است و با واقعیت اوضاع مطابقت ندارد. (الاسدی، ۲۰۱۳)

جلوگیری از تنظیم مقررات، بخشی از الزامات اجرای این سیاست اقتصادی جدید است؛ همان‌طور که جلوگیری از تنظیم مقررات بخشی از الزامات کنترل و استبداد در روزهای رژیم قبلی بود. سیاست جدید موسوم به سیاست اصلاحات اقتصادی به‌دنبال تقویت سیاست‌های دولت‌ها، فساد گسترده و به‌دست آوردن ثروت عمومی و سپس انحلال اموال عمومی است، به‌عنوان گامی از سیاست تجدید ساختار که دولت به‌دنبال آن است و تلاش می‌کند آن را با دقت و بدون وقفه اجرا کند.

بسیاری از بی‌گناهان و غیرنظامیان به خاک و خون کشیده شده‌اند، کل شهرها تخریب شده‌اند و نمادهایی که میراث بشری را نشان می‌دهد با حدود ۵ هزار سال قدمت تاریخی، تخریب شده‌اند. با همه این فجایع و در حالی که فرزندان کارگران و زحمتکشان در نیروهای مسلح در یک جنگ طولانی علیه تروریسم می‌جنگند، گفتمان قدرت عراق لحظه‌ای فراموش نکرد که به‌عنوان بخش و شریک نظام جهانی در خدمت منافع سرمایه‌داری قرار گیرد. بانک و صندوق بین‌المللی پول این سیاست را اتخاذ کرد که در طی یک و نیم دهه، منجر به بدهکاری گسترده، تخریب زیرساخت‌ها، توقف صنایع و گسترش فقر، بیکاری و جرم شد (نظمی، ۲۰۲۱: ۱۲-۱۶).

جدول ۱۱. رتبه‌بندی عراق در شاخص‌های فساد جهانی از سال ۲۰۰۳-۲۰۲۰

رتبه عراق	تعداد دولت‌ها	سال
۱۱۳	۱۳۰	۲۰۰۳
۱۲۹	۱۴۶	۲۰۰۴
۱۷۰	۱۹۴	۲۰۰۵
۱۶۰	۱۶۳	۲۰۰۶
۱۷۸	۱۸۰	۲۰۰۷
۱۷۸	۱۸۰	۲۰۰۸
۱۷۶	۱۸۰	۲۰۰۹
۱۷۵	۱۷۸	۲۰۱۰
۱۷۵	۱۸۳	۲۰۱۱
۱۶۰	۱۷۶	۲۰۱۲
۱۷۱	۱۷۵	۲۰۱۳
۱۷۰	۱۷۴	۲۰۱۴
۱۶۱	۱۸۰	۲۰۱۵
۱۶۶	۱۸۰	۲۰۱۶
۱۶۹	۱۸۰	۲۰۱۷
۱۶۸	۱۸۰	۲۰۱۸
۱۶۲	۱۸۰	۲۰۱۹
۱۶۰	۱۸۰	۲۰۲۰

تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزه و رضانجفزاده) ۱۰۷

## نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ذکر شده، سرمایه‌داری دولتی و نظام سرمایه‌داری جهانی با رهبری ایالات متحده آمریکا به وسیله ایجاد یک شوک به کشور عراق این دولت را در اقتصاد بازار باز و سرمایه‌داری جهانی ادغام کرد. این امر از راه سلطه ائتلاف موقت به ریاست پل برمر انجام شد. برمر با دستوراتی که صادر شد (که در جدول ۳ گفته شد) و با ایجاد اقتصاد بازار، تجارت آزاد، خصوصی‌سازی و مقررات زدایی، بازار کشاورزی و بازار امنیت، سرمایه‌گذاری خارجی، بازارهای مالی و همچنین با کمک نهادهای بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی البته آن‌طوری که به نفع شرکت‌های فراملی و نظام سرمایه‌داری جهانی باشد و از راه امتیازدهی‌های خاص و قرارداد دادن بخش خصوصی محلی یا بومی در یک سطح با شرکت‌های خصوصی خارجی و فراملی با شعار اصلاحات اقتصادی و تبدیل عراق به یک کشور مصرف‌گرا عمل ادغام اقتصاد این کشور را عملیاتی کرد.

این اصلاحات و دستوراتی که به عنوان قانون در عراق اجرا می‌شد و بعد از سال ۲۰۰۵ میلادی در قانون اساسی عراق به وسیله احزاب سیاسی (اسلامی و غیر اسلامی)، حکومت‌ها و سیاسیون عراقی به عنوان یک طبقه دارای منافع در این تعدیل ساختاری تصویب و تثبیت شد. این سیاست‌های به اصطلاح اصلاحی به دلیل اینکه حاصل یک عمل ناگهانی شوک‌آور از راه اشغال عراق بود و همچنین حاصل نیازهای توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه عراق نبود و سعی می‌کرد واسطه یک جهش از نظامی با ساختاری سوسیالیستی به یک نظام پیشرفته با ساختاری نئولیبرالی شود، باعث چالش‌های متعددی در سطح سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از جمله بیکاری، فقر، فساد اداری و مالی، رشد تروریسم، بالارفتن بدهی‌های خارجی و داخلی، از بین رفتن بخش خصوصی داخلی، محو اتحادیه‌های صنفی، بالارفتن فاصله‌های طبقاتی، نارضایتی ملی و رفاه نسبی، خارج شدن ثروت‌های کشور از راه ایجاد بخش خصوصی کاذب و غیر شفاف، تثبیت هرچه بیشتر اقتصاد رانتی، بالارفتن هزینه‌ها در بخش عمومی به خصوص کارمندان که با آمارها در جدول‌های این پژوهش ذکر شده نشان و توضیح داده شد.



## References

- Abdullahzadeh, M. (1386), Discourses of Neoliberalism in International Political Economy: Internalized Neoliberalism, *Quarterly Journal of Political Economy*, 4 (14), 100-124.
- Al-Anbaki, M. (2013), Investment Law between Bremer and the Iraqi Government, *Al-Motamar newspaper*, Baghdad, Issue (2748) on May 22.
- Al-Asadi, Bushra M. H. & Hakim, M. M. (2013), Administrative and Financial Corruption and its Economic and Social Effects in Iraq, Research published in the *Arab Future magazine*, No. 409
- Al-Khafaji, E. (1983), *The State and Capitalist Development in Iraq*, The Arab Independent House. Cairo. first edition.
- Al-Mamouri, A. A. K. & Khudair A. A. (2011), Economic Policies in Iraq and the American Occupation, *Journal of the College of Administration and Economics*, (4).
- Al-Saadi, S. Z. (2007), *The new political economy in Iraq, the new culture*, Baghdad.
- Al-Saadi, S. Z. (2008), *The Power of Oil and its Disadvantages in the Iraqi Experience: The Historical Case of the Middle East*, The Arab Future Locality, Center for Arab Unity Studies, No. 335, 31st year.
- Al-Zamili, Q. K. A. (2019), *Mechanisms of Building a Civil State in Iraq after 2003 (Constituents-Obstacles)*, 1st Edition, Iraq Center for Studies, Baghdad.
- Boas, T. & Morse, J. (2009), *Neoliberalism: From New Liberal Philosophy to Anti-Liberal Slogan*, [www.springer.com](http://www.springer.com)
- Brown, W. (2006), American Nightmare: Neoliberalism, Neoconservatism, and De-Democratization, *Political theory*, 34, 690.
- Coborn, D. (2000), Income Inequality, Social Cohesion and The health status of Populations: The Role of Neoliberalism, *Social Science & Medicine*.
- CPA <https://govinfo.library.unt.edu/cpa-iraq/regulations/>
- Dhafer, T. H. (2007), *Iraq and the American Occupation: A Study in the Future of Iraq*, *Journal of International Studies*, Issue Thirty-six, Center for International Studies, University of Baghdad.
- Dharam Gay and Kenithia, Hewitt de Alcantara, (1993), "The Crisis of the Eighties in Africa, Latin America and the Caribbean: An Overview", in the *International Monetary Fund and the Countries of the South*, ed., Dharam Gay, translated by Mubarak Ali Othman, Arab Research Center for Studies, Documentation and Publishing, Cairo
- Faris, J. & U. Kasuri (1996), *Social Protection Networks, Experiences of Some Arab Countries*, Paper Presented to the Symposium on the Social Effects of Economic Correction in Arab Countries, Abu Dhabi, United Arab Emirates January 17-18.
- Fayyad, A. H. (2008), *Ideas in Building the Modern Iraqi State*, Madarak Institute for the Study of the Mechanism of Intellectual Development, 1st Edition, Baghdad.
- Fine, B. (2006), *Social Capital and Political Economy*, translated by MK Sarvarian, first edition, Tehran, Research Institute for Strategic Studies.
- Haddad, H. O. (2010), AD, *The Economic Implications of the American Strategy in Iraq*, Pegohshahi Bayn Al-Malali Journal, No. 43, Center for International Studies, University of Baghdad.
- Harvey, D. (1386), *A Brief History of Neoliberalism*, translated by Mohammad Abdullahzadeh, first edition, Tehran, Akhtaran Publishing
- Klein, N. (1389), *Shock doctrine; The Rise of Catastrophic Capitalism*, translated by Mehrdad (Khalil) Shahabi and Mir Mahmoud Nabavi, first edition, published by Ameh.
- Mahdi Hussein, M. (1977), AD, *Introduction to the International Monetary Fund and the World Bank in the Economic Assignment of Developing Countries (presentation, analysis and evaluation)*, *Economic Horizons*, Volume 18, Number 69, Abu Dhabi.
- Mazhar, M. S. Q. (2010), AD, *Introduction to the Political Economy of Iraq, the Rentier State from Economic to Market Democracy*, House of Wisdom, 1st Edition, Baghdad.
- Mazhar, M. S. Q. (2013), AD, *the central rentier economy and the impasse of market chaos, a vision in the current Iraqi economic scene*, House of Wisdom.

تعدیل ساختاری نتولیرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م (محمدحسین مرزیه و رضانجفزاده) ۱۰۹

- Momeni, F. (2007), Iran's economy during the period of structural adjustment, first edition, Tehran, Naghsh va Negar Publications.
- Nazmi, F. K. & H. Hassan (2021), the October protests in Iraq, the moribundity of the old and the impossibility of the new, second edition, Dar Al-Sutoor for Publishing and Distribution, Baghdad.
- Saei, A. (1386), Development in a conflicting school, Tehran, second edition, Nashr-e Qoms.
- Sedaghat, P. (1388), Neoliberal ideology (compilation and translation), Tehran, first edition, publishing house.
- Short, A. F. S. (2010), The Role of Investment in Attracting Foreign Investment in Iraq, Journal of Law, Issue Ten (the issue of the research of the Third Scientific Conference, Al-Mustansiriya University).
- Williamson, J. (2004), The washingtonas policy prescription for development, institute for international.
- Yukul Hwang and Peter Nicholas (1987), "The Social Costs of Adaptation", Finance and Development, 24 (2), Washington.

